



یک روز در هرمز

در روزهای مذاکرات و هوای آتشین هرمزگان، مسافر جزیره هرمز شدیم؛ روایت یک شهید جزیره و تیمات جنگ در پسا جنگ به روایت بومی ها و صیادان، آورده ما در این گزارش است



صادق غفوربان
m.ghafoorian@khorasannews.com

در یک صبح جمعه خردادماه و در هوایی که به جای گرم باید بگویم داغ، اسکله حقانی بندرعباس را با قایق به مقصد جزیره هرمز ترک می کنیم؛ حدود ۳۵ دقیقه بر آب های نیلگون خلیج همیشه فارس طی طریق می کنیم تا به اسکله جزیره هرمز می رسیدیم. این جزیره هرمز در حدود ۱۰ کیلومتری بندرعباس، با مساحت ۴۲ کیلومتر مربع است که به دلیل مجاورت با تنگه هرمز، آن را کلید خلیج فارس قلمداد می کنند. خوب است بدانیم، در مجموعه جغرافیایی تنگه هرمز جزایر کوچک و بزرگ زیادی است که در مالکیت ایران و عمان قرار دارد؛ در بخش جنوبی تنگه و در مالکیت ایران، جزایری همچون مسندم، سلماه، بنا تنها، قوبین کوچک و بزرگ، ام الفیارین و... هست که برخی از آن ها به دلیل صخره ای بودن غیرقابل زیست اند. در بخش مرکزی و شمالی تنگه هرمز، چند جزیره بزرگ وجود دارد که که وجب به وجب آن ها برای همیشه در قلب و جان ایران و ایرانیان جا خوش کرده اند؛ جزایر هرمز، قشم، لارک، هنگام، تنب بزرگ و تنب کوچک و بوموسی که از جهت حاکمیت ایران بر آبراه تنگه هرمز و کنترل آن از جایگاه و ارزش استراتژیک ویژه ای برخوردار است. کتاب «جغرافیای نظامی ایران» نوشته حاجعلی رزم آرا، از افسران دهه ۳۰ ایران، این جزایر را این طور توصیف می کند: «جزایر جنوب قطعاتی است از پیکر ایران که در دریای پهناور فارس قرار گرفته، این قطعات کوچک

برای سلامت و حفاظت کشور پر ارزش و قیمتی و مصونیت و سیادت دریای فارس در دست این جزایر است.»

من، جزیره هرمز و شهید نظم نوین تنگه

اگر چه جزیره کوچک هرمز را می توان مجموعه ای توریستی دانست اما جنگ و آتش بس، جزیره را اکنون در شرایط متفاوت و ویژه ای قرار داده است. صیادی و ماهیگیری شغل غالب حدود ۶ هزار بومی جزیره است که البته جنگ، آن را تقریباً به تعطیلی کشانده است. من نیمه خرداد و در روزی وارد جزیره می شوم که قرار است پیکر پاسدار «قدرت زنگاری» از شهدای نظم نوین تنگه هرمز تشییع و خاک سپاری شود. او ۴ خردادماه هنگام پایش و رصد تنگه در محدوده جزیره لارکو توسط پهپادهای آمریکایی به شهادت رسید. قدرت، دروازه بان فوتسال بود و ورزشی های جزیره او را می شناسند؛ البته او حالا در شمار شهیدانی است که در حکمرانی جدید ایرانی بر تنگه هرمز جانش را در کف نهاده، و از این رو، یک ایران قدر دان اوست. تعداد زیادی در مراسم تشییع حضور دارند؛ تشییع پیکر «قدرت» در حال و هوای حماسه و سوگ، بر گزار می شود...

ماجرای خاک سرخ جزیره

جزیره هرمز، جلوه های فوق جذاب طبیعی همچون ساحل سرخ و نقره ای، دشت آهوان، صخره های نمکی، جنگل حرا و... دارد اما خاک های سرخ و نقره ای این جزیره در یک دهه اخیر، همواره در معرض تهدید برداشت غیر قانونی و بی رویه توسط گردشگران بوده که زیبایی منحصر به فرد آن را در معرض نابودی قرار داده است. در شرایط آتش بس که همچنان، وضعیت این جزیره و سایر جزایر به حالت عادی باز نگشته، سواحل نمایشایی جزیره در سکوتی باور نگرینی فرو رفته

است؛ در ساعاتی که در بخش های جنوبی جزیره ام، شاید تنها موجودات دو پا، من و راننده سه چرخه ایم که قرار است من را بگردانند. برآوردهای گردشگری، اعلام کرده، این جزیره روزانه فقط آمادگی حدود ۹۰۰ گردشگر را دارد که البته در فصول زمستان و نوروز سال های قبل روزانه گاهی تعداد گردشگران به چند هزار نفر می رسیده که اکوسیستم طبیعی جزیره را در معرض خطر قرار داده است.

نمی توانم مجوز بگیرم

قبل از ورودم به جزیره برای این که بتوانم با قایق به آن سوی ارتفاعات جزیره بروم، از طرق مختلف پیگیری می کنم؛ اما در نهایت به دلیل شرایط ویژه و حساسیت های این روزهای تنگه، مجوز صادر نمی شود. در بخش جنوبی جزیره و در سه چهار کیلومتری ساحل، کشتی های بزرگ را می بینم که لنگر انداخته اند. این روزها ماجرای گذر کشتی های تجاری از تنگه هرمز، موضوع داغ فضای سیاسی جهان است؛ در هرمز و در چند کیلومتری محل وقوع این قدرت نمایی ایران، به خود می بالم که اکنون در این نقطه نفس می کشم؛ جایی که امروز ایرانی ترین نقطه جهان است....

یک روایت از میان چند روایت عجیب

در یک روز حضورم در جزیره تلاش می کنم، خوب ببینم و خوب بشنوم. هوای آتشین هرمز، البته به قدر کافی اجازه نمی دهد چایک و چالاک باشم. پای صحبت یک صیاد می نشینم و او ماجرای صدها جنازه روی آب مانده را برام تعریف می کند. من این موضوع را، از یک صیاد دیگر اهل بندر سیریک هم شنیدم.

ما جاز از این قرار است که در روزهای جنگ رمضان، برخی صیادان و قاچاق بران که در مسیر تنگه میان ایران و عمان، کالا جابه جا می کرده اند، در کنار کوه های بندر خصب حجم زیادی جنازه در کنار آب می دیده اند که به دلیل متلاشی شدن، امکان شناسایی آن ها وجود ندارد. در جزیره، از یک صیاد، این موضوع را جویا شدم و ضمن این که صحت توضیحات او را نمی توانم تایید یار د کنم، روایت او این گونه بود: «دو هفته قبل، ما را برای شناسایی این جنازه ها به سر خاندن ای در عمان بردند، شاید ۲۰۰ تا ۳۰۰ جنازه و قطعات بدن را آن جا دیدیم که هیچ امکان شناسایی آن ها وجود نداشت و تا آن روز، هیچ دی ان ای از آن ها گرفته نشود، نمی توان هویت شان را تشخیص داد. به گفته او، این افراد عمدتاً صیادان و قاچاق بران لنج ها و یا خدمه کشتی های کشور های مختلف هستند که در روزهای جنگ، هدف حمله موشک ها و پهپادهای آمریکایی قرار گرفته اند. برخی از این ها حتی در دوره آتش بس هدف حمله قرا می گرفتند.

یک صیاد اهل بندر سیریک هرمز گان به من می گفت: «بچه هایی که این جنازه ها را دیده بودند، می گفتند ما در این مسیر امکان هیچ توقفی نداشتیم چون پهپادهای آمریکایی روی سرمان بودند و در صورت توقف، امکان حمله وجود داشت.»

قصه پرغصه بیکاری صیادها

اما بخش مهم ماجرای جزایر، در روزهای جنگ و چه بسا تا امروز، تعطیلی کسب و کار صیادی و ماهیگیری است. یک صیاد که در محدوده سیریک تا جاسک کار صید انجام می دهد، این طور برام تعریف کرد: از حدود ۱۰ روز قبل از جنگ، جی پی اس و سیستم ناوبری حداقل در دریای عمان تا خلیج فارس مختل و با آغاز جنگ کاملاً قطع شد و تا امروز این سیستم ها کاملاً قطع است و خودم که با قفس های ماهیگیری یا همسان «گرگور» کار می کنم، از بهمن تا همین امروز خانه نشین شدم چون تا جی پی اس نباشد، نمی توان کار کرد.

وی می گوید: وضعیت صیادهای منطقه به هیچ عنوان خوب نیست و ما از بهمن که گرگورها را در آب انداخته ایم، معلوم نیست این قفس ها تا امروز چه بلایی سرشان آمده و اداره شیلات نیز برای جبران این خسارت ها پاسخگو نیست.

بیکاری گسترده

ماجرای کسب و کار صیادان و ملوانان مناطق ساحلی جنوب سیستان و بلوچستان و شرق هرمز گان، این روزها از قصه های پر غصه جنگ رمضان است. همین روزهای قبل، در خبرگزاری ایلنا گزارشی می خواندم که مالک یک شناور چابهار ی گفته بود: «محدودیت های ناشی از وضعیت جنگی، کاهش تردد شناورها، ناامنی در مسیرهای دریایی و اختلال در تجارت محلی، موجب بیکاری گسترده در میان ساکنان این مناطق ساحلی شده است...»

۲۱۶ شناور صیادی هدف حمله

تا به این فقط یک بخش ماجرای صیادان است، چون وضعیت صیادان در استان هرمز گان غم انگیزتر است. ۲۲ خرداد، فرماندار قشم در گزارشی از وضعیت صیادان آمار ناراحت کننده ای را مطرح کرده و گفته بود: حمله به قایق های صیادی مردم بومی جزیره، بخشی از اقدامات متجاوزان علیه کشورمان بود که در چند مرحله انجام شد. به گفته او تعداد شناور های آسیب دیده شهرستان قشم در جنگ تحمیلی رمضان ۲۱۶ فروند بود که این شناورها در اسکله کیش شیب دراز، کانی، رمچها، در گهان و دوحه شهر قشم هدف حمله قرار گرفتند.

خدا حافظی با هرمز

از مقابل پمپ بنزین جزیره در کنار ساحل که شاید خلوت ترین پمپ بنزین ایران بود، می گزرم تا در اسکله برای بازگشت به بندرعباس سوار قایق شوم. هرمز و مردمان دلآورش عصر این روز فرزند قهرمانشان «قدرت زنگاری» را به آغوش خاک سرخ جزیره می سپارند تا برای همیشه یادشان باشد که برای این خاک پاک، جانفشانی ها شده است.

